

همیشه‌ری فرهنگ شهر



عکس همشهری، غریب‌الله نصیری

راوی قدرت ایران هشتم

گفت‌وگو با گلعلی بابایی، نویسنده مشهور دفاع مقدس درباره چهل و دومین سالروز آزادی خرمشهر و آشنایی نسل جدید با فرهنگ ایثار و شهادت

گفت‌وگو
روزنامه‌نگار

۴۲ سال از آن روز که رزمندگان بعد از یک سال

و ۷ ماه به خرمشهر برگشتند، می‌گذرد؛ عملیات شگفت‌انگیزی که هنوز اشک شوق در چشمان ما ایرانی‌ها می‌آورد و با آن احساس غرور می‌کنیم. خیلی از ما آن روزها را ندیدیم اما خواندن و شنیدن

درباره این فتح بزرگ ما را به وجد می‌آورد. مهم‌تر این است که باید تاریخ آن روزها زنده بماند و به نسل‌های بعدی منتقل شود اما چه سازو کاری؟ در این‌باره با گلعلی بابایی، نویسنده و مستندنگار پر

کار دفاع مقدس صحبت کردیم. او می‌گوید باید از فضای مجازی در روایت آن روزها و آنچه بر کشور و رزمندگانش رفت، استفاده کرد تا نسل جدید با آن بیگانه نباشد.

اجازه دهید سؤال اول را با اتفاقات اخیر و ساخته جانگدازی که برای رئیس‌جمهور و هم‌راهانش افتاد، شروع کنیم. از ایشان خاطره مستقیمی دارید؟

از بعد از ظهر یکشنبه، سی‌ام اردیبهشت ماه که آن خیر دهمشنگان روی سایت‌های خبری قرار گرفت، تا صبح روز دوشنبه که خبر شهادت آقای رئیسی و هم‌راهان او تأیید شد، واقعا بر مردم ایران خبری سخت گذشت. خیلی‌ها را می‌شناسم که کل آن شب را پای گیرنده‌هایشان نشستند و دست به دعا برداشند تا خبر سلامتی آن عزیزان را بشنوند. اما افسوس که... آقای رئیسی در مدت ۳ ساله که ریاست قوه مجریه را بر عهده داشت، نشان داد که

می‌شود رئیس‌جمهور یک کشور بود و مثل همه مردم زندگی کرد. ساده‌زیستی و اهتمام ایشان برای حل مشکلات مردم می‌تواند الگوی عملی برای تمامی دولت‌مدران ما باشد.

آخرین دیدار شما با رئیس‌جمهور شهید چه زمانی بود؟

آخرین دیداری که من افتخار داشتم با شهید رئیسی عزیز از نزدیک هم کلام بشوم، مربوط به ضیافت افطاری ایشان در ماه مبارک رمضان امسال است. در آن دیدار طیف‌های متنوعی از هنرمندان و نویسندگان آمده بودند تا حرف‌ها و درد دل‌هایشان را با رئیس‌جمهور در میان بگذارند. به همین خاطر آقای رئیسی ساعت‌ها در مقابل‌شان نشست و حرف‌های ریز و درشت و تلخ و شیرین‌شان را شنید. بعد هم با آنها هم‌سفر شد و پس از افطار هم مجدداً به درد دل‌های آنها گوش داد، به آنها احترام گذاشت و قول داد که مشکلات‌شان را برطرف کند. آقای

رئیس‌جمهور هم‌طور که برای حل بسیاری از معضلات کشور تلاش می‌کرد، برای برطرف کردن مشکلات کاغذ و بازار نشر هم اهتمام ویژه‌ای به خرج می‌داد.

یادش گرامی، برگردیم به موضوع بحث که سالروز آزادی سازی خرمشهر و روز مقاومت، ایثار و بیروزی است. شما در این روز در چه جبهه بودید؟

خاطره یا روایتی در این زمینه دارید؟ خیر، من در آن روز در پسادگان آموزشی امام حسین(ع) تهران مشغول گذراندن دوران آموزشی بودم. آنچه از آن روز یزاف‌تخار به یاد مانده، شادی و بخش‌شیرینی توسط مردم در خیابان‌های تهران بود. دقیقاً مثل روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که انقلاب پیروز شده بود. شوخی که نبود، عملیات بیت‌المقدس بعد از ۲۵ روز جنگ سخت، سرانجام نتیجه داد و خرمشهر فرمان به آغوش مردم بازگشت؛ خرمشهری که برای آزادی‌سازان آن ۶۲۰۰ شهید اهدا شد.

باید هم در محتوا و کیفیت کتاب‌ها دقت بیشتری به خرج بدهیم و هم ظرفیت‌ها بهره ببریم. برای رسیدن به این هدف، به‌نظم شاید یکی از بهترین راه‌ها، استفاده از پتانسیل موجود در مدارس، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های عمومی کشور باشد. ضمن آنکه خود فضای مجازی هم می‌تواند بستر مناسبی برای تبلیغ و ترویج این آثار باشد

بعد از فتح خرمشهر ما وارد فاز تازه‌ای از جنگ شدیم و عملدست بالا را در صحنه نبرد به‌دست گرفتیم. در همین مقطع برخی ناآگاهانه شبهه ایجاد کردند که بعد از فتح خرمشهر ایران نباید عملیات‌هایش را ادامه بدهد. این درحالی بود که دشمن یعنی هنوز بخش‌هایی از سرزمین ما را در اشغال خودش داشت. نظر شما چیست؟

بله. بعد از عملیات بیت‌المقدس هنوز مناطقی مثل نفت‌شهر، قصر شیرین، مهران و... در دست عراقی‌ها بود. ما برای آنکه به حتمان برسیم نیاز بود، دشمن را تا داخل مرزهایش تعقیب کنیم و نقطه‌ای را بگیریم که بتوانیم دست بالاتر را در مذاکره داشته باشیم.

به گواه اسناد معتبر بعد از این عملیات، کمک‌های جهانی هم به صدام بیشتر شد. درست‌است؟

بله. وقتی خرمشهر آزاد شد، دنیای استکبار احساس کرد که ایران در حال تبدیل شدن به یک قدرت در حال نشان دادن این است که می‌خواهد پیروز جنگ شود. از اینجا به بعد آمریکا دخالت غیر محسوس کرد. مارک پری در کتاب خود با عنوان «کسوف» نوشته است: آمریکا وقتی خطر قوی شدن ایران را احساس کرد، آمد و در محله المنصور بغداد ایستگاهی را به نام ایستگاه بغداد تشکیل داد و بسیاری از مستشاران نظامی‌اش را به کمک صدام فرستاد. این ژنرال‌های کارگشته آمریکایی به عراق کمک فکری می‌دادند تا جلوی پیشروی‌های ایران گرفته شود. در این ایستگاه آمریکا کمروهای عربی راه‌بر برای کمک به صدام ترغیب می‌کرد.

نخستین کاربرد این طرح در عملیات رمضان مشاهده شد که چگونه یک خط کاملاً غیر قابل عبور تشکیل داده شد؛ طوری که ما پس از چندین عملیات کاملاً موفق در عملیات رمضان یکباره زمینگیر می‌شویم؛ یعنی نتوانستیم خط دشمن را بشکنیم و طرح تعقیب متجاوز را اجرایی کنیم.

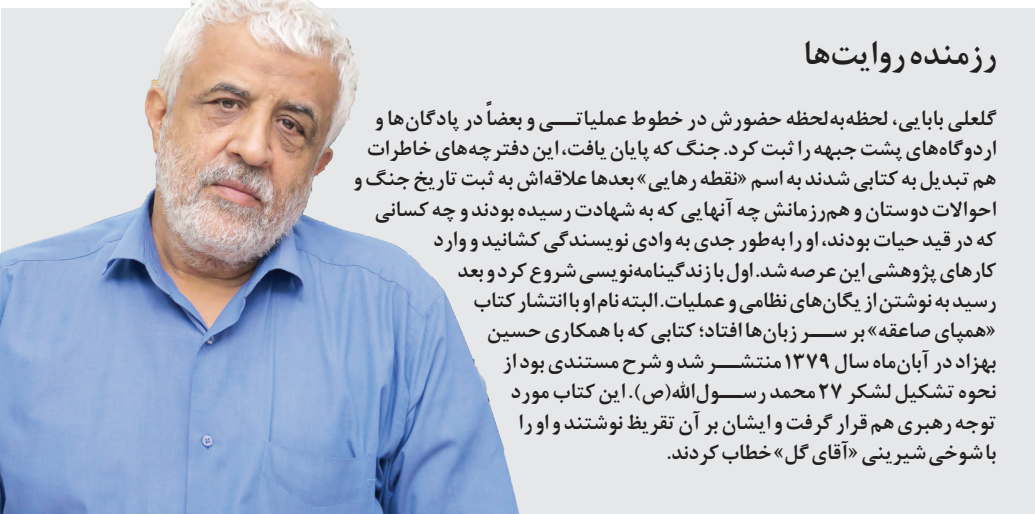
البته شما در کتاب «همپای صاعقه» مفصل و به‌صورت لحظه‌نگاری این عملیات را شرح داده‌اید. خاطر هست گفته بودید وقتی کتاب «همپای صاعقه» در آمد، دچار مشکل شده بودید؟

بله. من مکتوب سازمانی را که به ابلاغ شد، هنوز دارم. شما در اسرع وقت، کتاب «همپای صاعقه» را جمع‌آوری و خمیر کنید. پیکر بودند که کتاب توزیع نشود تا اینکه کتاب به‌دست مقام معظم رهبری رسید و ایشان تقریظ بلندبالایی بر آن نوشتند. بعد از آن، همه کسانی که فشار می‌آوردند

به‌دنبال خرید این کتاب افتادند. از شما به‌عنوان بر کارترین نویسنده دفاع مقدس یاد می‌کنند. به نظر تان در بخش ثبت تاریخ شفاهی و خاطرات دوران دفاع مقدس در چه جایگاهی ایستاده‌ایم؟ در واقع بنده با خاطرات و لحظه‌نگاری می‌خواهم قدرت ایران را به جهان نشان دهم و بازگو کنم. به‌نظم ما در حال حاضر جایگاه مناسبی در ثبت تاریخ شفاهی و خاطرات جنگ داریم. اما باید استفاده از پتانسیل موجود در مدارس، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های عمومی کشور باشد. ضمن آنکه خود فضای مجازی هم می‌تواند بستر مناسبی برای تبلیغ و ترویج این آثار باشد. همچنین رسانه ملی.

کتاب‌های زیادی از شما توسط مقام معظم رهبری تقریظ شده و به ناگه می‌در ایشان داشنید از این دیدار پرابیمان بگویند. روزی که حضرت آقا به نمایشگاه کتاب تشریف آوردند، من در غرفه انتشارات خط مقدم بودم، وقتی ایشان از بنده سؤال کردند چه کار جدیدی دارید؟ من کتابی که برای آن انتشارات نوشته بودم را معرفی کردم. کتاب «دیون مرز» خاطرات آقای سیداکبر طباطبایی. بعد هم در ارتباط با کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ که بسپار مورد تأکید ایشان بوده است، توضیحاتی ارائه دادم و گفت، الحمدلله تاکنون ۶ مجلد از این مجموعه تمام شده است. سپس حضرت آقا ضمن احوالپرسی از حسین بهزاد، فرمودند: کار مشترک جدیدی از شما دو نفر ندیدم، آیا کاری انجام ندادید؟ عرض کردم، چرا. همچنان کار هم می‌کنیم و آخرین کتاب مشترک ما به نام «قلب زمین مال ماست» هم در انتشارات ایران چاپ شده است.

اساساً به‌نظر شما تأثیر منویات و تقریظ‌های حضرت آقا در رشد و توسعه ادبیات دفاع مقدس چگونه است؟ و اینکه! پشمان ساعت‌ها وقت می‌گذارند و با اهالی قلم و شعرا دیدار می‌کنند چه پیامی می‌تواند داشته باشد؟ من بارها گفته‌ام این توجه و اشتیاقی که مقام معظم رهبری نسبت به کتاب و نویسندگانه بروز می‌دهند، واقعا عجیب، شوق‌انگیز و فرصت‌است. اینکه ایشان با چنان دقت و حوصله‌ای به تک‌تک غرفه‌های ناشران سر می‌زنند و از آنها سؤالات فنی و تخصصی می‌کنند و بعد هم در مواقعی تذکرات دقیق می‌دهند، واقعا حیرت‌انگیز است. در ارتباط با تقریظ‌های معظم له بر کتاب‌ها باید بگویم که قطعا این رویه هم در رشد و شکوفایی ادبیات ما بسیار مؤثر است و هم در بالا رفتن سطح کیفیت کتاب‌ها. چرا که ایشان در بعضی از تقریظ‌ها به نکات تخصصی ارزشمندی اشاره می‌کنند که شاید تا آن موقع مدنظر مولف و ناشر هم نبوده است.



رزمنده روایت‌ها

گلعلی بابایی، لحظه‌به‌لحظه حضورش در خطوط عملیاتی و بعضاً در یادگان‌ها و اردوگاه‌های پشت جبهه را ثبت کرد. جنگ که با پایان یافت، این دفترچه‌های خاطرات هم تبدیل به کتابی شدند به اسم «قطعه‌رهایی» بعدها علاقه‌اش به ثبت تاریخ جنگ و احوالات دوستان و هم‌رزمانش چه آنهایی که به شهادت رسیده بودند و چه کسانی که در قید حیات بودند، او را به‌طور جدی به وادی نویسندگی کشانید و وارد کارهای پژوهشی این عرصه شد. اول با زندگینامه نویسی شروع کرد و بعد رسید به نوشتن از یگان‌های نظامی و عملیات. البته نام او با انتشار کتاب «همپای صاعقه» بر سر زبانه افتاد؛ کتابی که با همکاری حسین بهزاد در آبان ماه سال ۱۳۷۹ منتشر شد و شرح مستندی بود از نحوه تشکیل لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص). این کتاب مورد توجه رهبری هم قرار گرفت و ایشان بر آن تقریظ نوشتند و او را با شوخی شیرینی «آقای گل» خطاب کردند.

نگاه تاریخی



حمله به خرمشهر در آخرین روز تابستان

بعد از ظهر ۳۱ شهریور سال ۵۹، خرمشهر زیر آتش سنگین رژیم بعثی قرار گرفت. شهر در آتش می‌سوخت و صدای انفجار لحظه‌ای قطع نمی‌شد. طولی نکشید که بیمارستان پسرشماز و مجروحان و شهیدان. مردم به خصوص جوانان رو به مسجد جامع (نماد مقاومت) و دیگر پایگاه‌ها آوردند تا برای مقاومت سازماندهی شوند.



شکل‌گیری گروه‌های مقاومت در خونین شهر

با تداوم هجوم همه‌جانبه دشمن به خرمشهر، گروه‌های مقاومت به‌سرعت در این شهر شکل گرفت و جنگ و گریز شروع شد. آن طرف از توپخانه، تانک، خمپاره‌انداز، مسلسل‌های سنگین و قوای زرهی بهره می‌برد و این طرف فقط چند تفنگ یک‌مک، ز ۳، بطری‌های آتش‌زا و چند آربی‌چی داشت. در ۲۴ روز مقاومت، اگر چه بسیاری از مدافعان شهر شهید شدند ولی دشمن را در دستیابی سریع به اهدافش ناکام گذاشت. هر چند که خرمشهر، خونین شهر شد.

گزارش

رانندگان کوچک اما خطرناک

روایت ۲۵ کودکی که در تهران باعث تصادفات مرگ‌آفرین شدند

کم‌نیده‌ایم پسر بچه‌هایی را که در کوچه و خیابان پشت موتور نشسته‌اند و مثل فاتحان گاز می‌دهند و تک‌چرخ می‌زنند یا حتی در سال‌های اخیر زیاد دیده‌ایم که یک نوجوان ۱۳ یا ۱۴ ساله پشت فرمان ماشین نشسته و رانندگی می‌کند. اصلا همین چند وقت پیش بود که مردی با افتخار، فیلم پسر ۱۳ ساله خود را که با کامیون رانندگی می‌کرد، در فضای مجازی منتشر کرد تا مثلاً نشان دهد چقدر پسر باهوشی دارد. اما حالا آمار مرگ‌ومیر کودکان حین تصادفات چه به‌عنوان سرنشین و چه راننده به قدری زیاد شده که رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ درباره آن هشدار داده است.

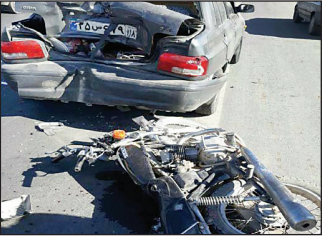
به گزارش همشهری، سرهنگ رابعه جوانبخت آماری داده که خانواده‌ها باید به آن دقت کنند: در سال گذشته، ۲۵ کودک و نوجوان یک تا ۱۶ ساله که سرنشین و راننده بودند در تصادفات رخ داده در تهران جان خود را از دست داده‌اند.



۳ نفر به‌علت ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه، ۲ نفر به‌علت حرکت در خلاف جهت، یک نفر به‌علت عدم رعایت حق تقدم و یک نفر به‌علت تغییر مسیر ناگهانی جان خود را در تصادفات از دست داده‌اند. ۸ نفر از متوقیان عابر پیاده، ۷ نفر راننده موتورسیکلت، ۲ نفر ترک موتورسیکلت و ۳ سرنشین خودرو بودند.



بر اساس ماده ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی، اگر کودکی از وسایل نقلیه والدین خود یا دیگران مانند موتورسیکلت و خودرو استفاده کند و تصادفی صورت گیرد این کودک مقصر است و مسئولیت از او سلب نمی‌شود. این پرونده‌ها در دادسرای ویژه اطفال مورد رسیدگی قرار می‌گیرند و برای این کودکان مجازات نیز تعیین می‌شود.



۶ کودک در تصادفات بین ۱۲ بامداد تا ۴ صبح در حال رانندگی بوده‌اند.



۲ ماه گذشته ۲ کودک زیر ۱۶ سال بر اثر استفاده نادرست از اسکوتر و دوچرخه فوت کرده‌اند. بر اساس ماده ۲۰۵ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، هیچ‌کس حق ندارد با اسکوتر، دوچرخه یا اسکیت به خودروی در حال حرکت تکیه و از آن طریق حرکت کند. همچنین شرط استفاده از این وسایل، بودن در محل امن است.



بر اساس ماده ۲۲۰ آیین‌نامه، کودکان زیر ۱۲ سال نباید بر صندلی جلوی خودرو بنشینند. در هفته‌های گذشته موردی داشتیم که یک کودک ۸ ساله بر صندلی جلوی خودرو نشسته بوده و آسیب جدی می‌بیند. متأسفانه در مورد دیگری، یک کودک از سان‌روف خودرو به بیرون نگاه می‌کرد که با ترمز شدید پدرش در بزرگراه، به بیرون از ماشین پرتاب شده و از ناحیه سر جراحات سنگینی دید.